

- ١١٢- المنحول في تعليقات الأصول، تأليف: محمد بن محمد بن محمد الغوالي أبو حامد، دار النشر: دار الفكر - دمشق ١٤٠٠ هـ، الطبعة الثانية، تحقيق: د. محمد حسن هيتو.
- ١١٣- المشور في القواعد، للزركشي تحقيق: تيسير فائق أحمد، وزارة الأوقاف، الكويت، ط: الثانية ١٤٠٥ هـ.
- ١١٤- الموافقات في أصول الفقه، تأليف: إبراهيم بن موسى اللخمي الغرناطي المالكي، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق عبد الله دراز.
- ١١٥- مصنف عبد الرزاق، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، المكتب الإسلامي، بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٣ هـ.

- ١١٦- معالم القربة في طلب الحسبة لابن الأخوة القرشي. محمد بن محمد بن أبي زيد.
- ١١٧- الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف على مذهب الإمام أحمد بن حنبل، تأليف: علي بن سليمان المرادوي أبو الحسن، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد حامد الفقي.
- ١١٨- نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، تأليف: شمس الدين محمد بن أبي العباس أحمد بن حمزة ابن شهاب الدين الرملي الشهير بالشافعي الصغير، دار النشر: دار الفكر للطباعة - بيروت - ١٤٠٤ هـ - ١٩٨٤ م.
- ١١٩- نور الإيضاح ونجاة الأرواح، تأليف: حسن بن عمار الشرنبلالي أبو الإخلاص، دار النشر: دار الحكمة - دمشق ١٩٨٥ م.

Bora 021004
Cuale 030603
Sarf 180460
Siftace 181362

المعاوضة عن الالتزام ببيع العملات في المستقبل

(Hedging)

إعداد

الأستاذ/ علي كوتي المسليار

شيخ الجامعة النورية العربية - كيرالا - الهند

29 Mayıs 2017

MADE YAYINI ANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

CU'EL

İbn Abdilberr, el-Kafi, 758

cu'el bk. Cu'le

Fikih

- Âbik'i efendisine لوسوعة جمال عبدالناصر
teslim edene verilecek
cu'le ve miktarı ile ilgili
meyhabetler

(merasimci Cemal Abdunnasir)

1010

CU'ALE

Fikih

A'lamu'l-Muvakkiin اعلام الموقعين
ابى الفتح
٢٨٧ - ٢٨٥ | ١

734

CU'ALE

Fikih

İbn Teymiyye, Narayyetü'l-Âhd, s. 149
1949 (?) Kahire

CU'EL

İbn Abidin, c. III, s. 674

CU'ALE

İbn Abdilberr, el-Kafi, 465

٧٣٣ د دنیا، شوقی احمد
علاء > الجمالة والاستصناع: تحلیل فقہی و اقتصادی /
اعداد شوقی احمد دنیا - ٠ ط ١ - جده: المعهد
الاسلامی للبحوث والتدريب، ١٤١١ هـ ١٩٩٠ م.
٥٤ ص ٢٤٤ سم
٠١ الجمالة ٠٢ الاستصناع (فقہ اسلامی)
٠٣ الاقتصاد الاسلامی ٠٤ العنوان

MADDE YATIRILAN DIKTAN
SONRA GELEN DORÜMAN
1997

MAY 1995

030603 CU'ALE
الجمالة في الفقه الاسلامي / عبدالله بن علي بن محمد
الدخيل .. بحث تكميلي .. جامعه الامام محمد بن سعود
الاسلاميه - المعهد العالي للقضاء - الفقه المقارن ، ١٤٠٨ هـ .

MADDE YATIRILAN DIKTAN
SONRA GELEN DORÜMAN

جعاله

۳۹۳

انجام دادن کار حلال موردنظر (ع نجفی، ج ۳۵، ص ۱۸۷) و گاهی عقد یا صیغه‌ای که دلالت بر این التزام نماید، جعاله خوانده شده است (ع فخرالمحققین، ج ۲، ص ۱۶۲؛ شهید اول، ج ۳، ص ۹۷؛ مقدس اردبیلی، ج ۱۰، ص ۱۴۵). شافعیان جعاله را تعهد به دادن عوضی معلوم در برابر انجام دادن کاری معین، یا کاری مجهول که آگاهی از مقدار آن دشوار است، تعریف کرده‌اند (ع خطیب شربینی، ج ۲، ص ۴۲۹). به نظر مالکیان، جعاله اجاره منفعتی است که احتمال دستیابی به آن زیاد است (زحیلی، ج ۵، ص ۳۸۶۴). به تعبیر برخی حنبلیان، جعاله مقرر کردن مالی به ازای انجام دادن کاری معلوم یا مجهول برای مدتی مجهول است (ع مرداوی، ج ۶، ص ۳۸۹).

جعاله پیش از اسلام نیز وجود داشته است، از جمله التزام حضرت یوسف را به دادن یک بار شتر به یابندهٔ پیمانه، که در قرآن آمده (ع یوسف: ۷۲)، می‌توان نمونه‌ای از جعاله دانست (ع قطب راوندی، ج ۱، ص ۳۸۸؛ ثعالبی، ج ۳، ص ۳۳۹؛ طباطبائی، ذیل یوسف: ۷۲).

در احادیث نیز گاهی به مناسبت موضوع بحث، از جُعَل یا جعاله سخن به میان آمده، از جمله در موضوع پرداخت اجرت برای یابندهٔ بردهٔ فراری (ع عبد ایتق؛ ع کلینی، ج ۶، ص ۲۰۰؛ قاضی نعمان، ج ۲، ص ۴۹۸)، گرفتن اجرت برای شرکت در جنگ در مبحث جهاد (ع صنعانی، ج ۵، ص ۲۳۰-۲۳۲؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۴۸)، گرفتن اجرت برای آموزش قرآن و نماز در ابواب مربوط به آن (ع طحاوی، ج ۴، ص ۱۲۷)، یا دادن اجرت برای استفاده کردن از حمام و حجامت در باب مکاسب یا اجارات (ع طحاوی، ج ۴، ص ۱۲۹؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۱۴). در آن گروه از منابع متأخر حدیثی که با ابواب فقهی تنظیم شده، احادیث جعاله در مباحثی اختصاصی گردآوری شده است (برای نمونه ع حرعاملی، ج ۲۳، ص ۱۸۹-۱۹۳؛ نوری، ج ۱۶، ص ۳۳-۳۴).

در منابع متقدم فقهی نیز کم و بیش احکامی آمده است که می‌توان آنها را در بارهٔ مصادیق جعاله به شمار آورد، از جمله احکامی در بارهٔ دستگیری بردهٔ فراری، یافتن اشخاص یا اشیای گمشده، به جا آوردن مناسک حج و تعلیم قرآن. ابتدا در این منابع، از جمله کتب امامیان، جعاله بایبی خاص نداشت و مطالب مربوط به آن در ذیل ابوابی مانند ضمان و لقطه مطرح می‌شد (ع مفید، ص ۶۴۸-۶۴۹؛ طوسی، المبسوط، ج ۲، ص ۳۲۵، ج ۳، ص ۳۳۲). به تدریج در آثار فقهی، بایبی بدان اختصاص یافت، مثلاً ابن حمزه (متوفی ۵۶۰) در الوسیلة فصلی را بدان اختصاص داد (ع ص ۲۷۲ به بعد)، سپس محقق حلی آن را به عنوان مبحث فقهی (کتاب) مطرح کرد (ع ج ۳، ص ۷۰۶) و کم‌کم به عنوان کتاب فقهی در همهٔ منابع فقهی

الجامع الكبير، الجامع الصغير و المناسک، هر سه از محمدبن حسن شیبانی (متوفی ۱۸۹)؛ شرح مختصر الفقه، اثر احمدبن محمد طحاوی (متوفی ۳۲۱)؛ شرح المختصر، اثر ابوالحسن کرخی؛ شرح ادب القاضی، اثر احمدبن عمرو خفاف (متوفی ۳۱۷)؛ مختصر اختلاف العلماء، تلخیص کتاب اختلاف العلماء اثر طحاوی در علم خلاف؛ و جوابات المسائل (بغدادی، ج ۱، ستون ۶۷؛ لکنوی، ص ۲۸؛ جصاص، ۱۴۰۵-۱۴۰۸، ج ۱، همان مقدمه، ص ۲۲).

منابع: ابن ابی الوفا، الجواهر المضیة فی طبقات الحنفیة، چاپ عبدالفتاح محمد طو، ریاض ۱۴۱۳/۱۹۹۳؛ ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، چاپ محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ ابن منظور؛ اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، در حاجی خلیفه، ج ۵؛ تقی الدین بن عبدالقادر تمیمی، الطبقات السنیة فی تراجم الحنفیة، ج ۱، چاپ عبدالفتاح محمد طو، ریاض ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ احمدبن علی جصاص، احکام القرآن، چاپ عبدالسلام محمدعلی شاهین، بیروت ۱۴۱۵/۱۹۹۴؛ همو، أصول الفقه، المسمی یا لفصول فی الأصول، چاپ عجیل جاسم نشمی، کویت ۱۴۰۵-۱۴۰۸/۱۹۸۵-۱۹۸۸؛ همو، مختصر اختلاف العلماء، بیروت ۱۴۱۷/۱۹۹۶؛ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، چاپ احمد عبدالغفور عطار، بیروت [بی تا]، چاپ افست تهران ۱۳۶۸ ش؛ حاجی خلیفه؛ خطیب بغدادی؛ محمدبن علی داوودی، طبقات المفسرین، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ محمدبن احمد ذهبی؛ محمدحسین ذهبی، التفسیر و المفسرون، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ محمدبن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحیط، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۱؛ قاضی عبدالجبار بن احمد، المنیة و الاصل فی شرح کتاب الملل و النحل، اسکندریه ۱۹۷۲؛ عبدالحمید بن عبدالحلیم لکنوی، الفوائد البهیة فی تراجم الحنفیة، کراچی ۱۳۹۳؛ عبدالمنعم هاشمی، الامام الجصاص ابوبکر احمدبن علی الرازی الحنفی، بیروت ۱۴۱۸/۱۹۹۷.

/ حسین قاضی /

جعاله، مباحثی در فقه و حقوق، به معنای التزام به پرداخت اجرت یا پاداش در برابر انجام دادن کار مورد نظر. جعاله با کسر، فتح و ضمّ نج، از ریشهٔ عربی ج ع ل، به معنای چیزی است که به شخصی در مقابل انجام دادن کاری پرداخت می‌شود. جعاله به معنای رشوه یا مالی که به کسی داده می‌شود تا به جای شخصی دیگر در میدان جهاد حاضر شود، و جعاله یا جُعَاله به معنای تکه پارچه‌ای که با آن ظرف را از روی آتش برمی‌دارند، نیز به کار رفته است (ابن قتیبه؛ ابن فارس؛ ابن منظور؛ مرتضی زبیدی، ذیل «جعل»).

مفهوم جعاله در اصطلاح فقه و حقوق، نزدیک به معنای لغوی آن است. گاهی التزام به پرداخت اجرت (عوض) در برابر

Motzki, Harald: „*The Muṣannaḥ of 'Abd al-Razzāq al-Ṣan'ūnī as a source of authentic aḥādīth of the first Islamic century*“, in: *Journal of Near Eastern Studies* 50/1 (1991), S. 1-21.

Nawawi, Muhyiddin b. Šaraf an-: *Tahḏīb al-asmā' wal-luġāt*, 3 Bde, Teheran o. J.

Schacht, Joseph: *The Origins of Muhammadan Jurisprudence*, London 1950.

Širāzi, Ibrāhīm b. 'Alī aš-: *Tabaqāt al-ḥaqāhā'*, Ed. Iḥsān 'Abbās, Beirut 1970.

Der Islam, e. LXVIII/1, s. 45-64,

1991 - Berlin.

Ja'ā'il and Holy War in Early Islam

by Michael Bonner (Michigan)

Balādhuri informs us that upon rebuilding the frontier post of Malatya (Melitene), the 'Abbāsīd caliph al-Manšūr provided the garrison of the restored town with various means of support, "aside from the *ju'l* which the tribes arrange among themselves."¹) Now *ju'l* ordinarily means "pay, wages." But if we look further in the dictionaries we find that *ju'l* – more properly *ji'āla*, *ja'āla* or *ju'āla*, pl. *ja'ā'il* – has the special meaning of "wages or pay which one gives to a man that he may aid himself thereby to serve in the war."²) It occurs "when a man is obligated to go to war, and has another man take his place in exchange for a wage stipulated in advance."³) Of particular relevance to this passage from Balādhuri is a version of *ju'l* which occurs between groups: "The people stipulated among themselves to give wages, or pay, to such of them as should serve as substitutes, on the occasion of being ordered forth to war."⁴)

Early 'Abbāsīd Malatya thus seems to illustrate the procedure of *ju'l* neatly, but with this we cannot consider the matter settled. Scattered references in historical works and poetry attest to the existence of this practice throughout the Umayyad period. *Ja'ā'il* also occupy sections in most of the major ḥadīth collections, always under *jihād* or *siyar*. Taken as a whole, this ḥadīth is obscure and full of contradictions: the very definitions of its subject-matter seem in a state of flux. From this we may infer that the early Islamic lawyers devoted a certain amount of attention to *ja'ā'il*, that they continued to do so after the practice had fallen into disuse, and that their lines of reasoning in relation to it underwent several shifts.

¹) Balādhuri, *Futūḥ*, 187.22-188.1, *siwā al-ju'l alladhī yatajā'aluhu al-qaba'il baynahā*.

²) Lane, *Lexicon*, 431, citing *Tāj al-'arūs* (7:63).

³) Ibn Manẓūr, *Lisān*, 11:111, *wā-dhālika idahā wajaba 'alā al-insān ghazw fa-ja'āla makānahu rajulan akhar bi-ju'l yashtarituhu*. Cf. Ibn al-Athīr, *Nihāya*, 1:276; Zamakhshari, *Fā'iḳ*, 1:198.

⁴) *Tajā'āla al-nās baynahum 'inda al-ba'th*. Azhari, *Tahdhīb* 1:374; Lane, *loc. cit.*, citing *Tāj*.

می کند فلو قال من ردَّ عبدی او خاط نوبی فله کذا صحَّ؛ اگر کسی بنده مرا برگرداند یا جامعه مرا بدوزد برای او چنین مزدی خواهد بود صحیح است. در هر حال جعاله تعهدی است که هر یک از دو طرف «مادام که عمل به اتمام نرسیده» می توانند آن را فسخ کنند.

ارکان جعاله، جعاله دارای چهار رکن است: ۱) صیغه جعاله، بیان صیغه جعاله به شرحی است که گفته شد و با ذکر آن جمله، جعاله ثابت و آثار شرعی و حقوقی آن بر عهده جاعل مترتب است؛ ۲) طرفین تعهد، طرف اول که جاعل است علاوه بر دارا بودن شرایط عمومی عقود و معاملات نظیر بلوغ و عقل و جز اینها، شرط اهلیت استیجار را نیز باید دارا باشد یعنی مانند ورشکسته و محجور ممنوع از تصرف در مال خود نباشد. اینکه علامه در قواعد (۲۰۰/۱) و مرحوم شهید در شرح لمعه (۴۴۲/۴) طفل غیر ممیز یا مجنون را که عمل مورد درخواست جاعل را انجام داده اند مستحق اجرت ندانسته اند - چه بدون قصد عمل را انجام داده اند - محل اشکال است زیرا عمل از طرف آنان انجام شده است و طبق تعهد جاعل، استحقاق دریافت مزد را قطعاً دارند؛ ۳) عمل موضوع جعاله، بنابر نظر فقهای امامیه آن چه که موضوع جعاله قرار می گیرد باید دارای شرایط زیر باشد: الف) معلوم بودن، آن چه که مورد جعل قرار می گیرد باید معین و مشخص باشد ولی در صورتی که مجهول یا مبهم هم بوده باشد خللی به صحت ایجاب جاعل نمی زند زیرا در عقد جائز جعاله عامل می تواند به علت جهل یا ابهام مورد جعل آن را رد کند؛ ب) حلال بودن، انجام کاری که از دیگران خواسته می شود و برای آن پاداش و اجرتی قرار داده می شود باید شرعاً و قانوناً حلال و جائز یا مباح باشد بنابراین در مواردی که موضوع حلال نباشد، نظیر اینکه بگوید هر کس برای من خوکی صید کند یا از انگور من شراب تهیه کند یا هر کس فلان شخص را بکشد چنین مزد می دهم جعاله باطل و نامشروع می باشد؛ ج) عقلانی بودن، عمل مورد جعاله باید خردمندانه و عقلانی باشد، بنابراین کارهایی که توجیه عقلانی ندارد، نظیر اینکه بگوید، هر کس ماهی رودخانه را بشمارد یا پرندگان آسمان را به حساب آورد، آن قدر مزد می پردازم، این جعاله باطل است؛ د) معلوم بودن مزد، فقهای امامیه معتقدند که لزومی به تعیین مقدار اجرت ندارد و جاعل می تواند برای انجام کار اجرتی نامعین و مجهول قرار دهد، به شرط اینکه موجب نزاع نگردد، مثلاً می گوید هر آن کس که جواهرات مرا بیابد - یا - قیمت آنها را به او خواهم داد، صحیح است، ولی اگر جعل، مجهول مطلق باشد، جعاله باطل است. مثلاً اگر کسی بگوید، هر کس خانه مرا بسازد بدو چیزی خواهم داد، جعاله واقع نمی شود.

آثار عقد جعاله، ۱) با توجه به این که جعاله عقدی است جائز از این رو هر یک از دو طرف و به ویژه جاعل تا پیش از

پارسایی و زهد آوازه داشت. در کاظمین حوزه درس داشت و محمدحسین آل کبه (م ۱۳۳۶ق) به هنگام اقامت خود در کاظمین از مجلس درس او بهره مند گردید. اثر معروف شیخ عباس جصانی شرح شرایع الاسلام محقق حلی است که در سیزده جلد تدوین گردیده و یکی از مهمترین شرحهایی است که بر این کتاب نوشته شده است. این کتاب که از آغاز تا پایان زکوة را دربر می گیرد از استادی مؤلف در فقه و وسعت و آگاهی او در این زمینه حکایت دارد. از شاگردان وی شیخ مهدی خالصی و برادرش شیخ راضی، سید حسن صدر و شیخ مهدی جرموقه را می توان برشمرد.

منابع: اعیان الشیعة، ۴۲۵/۷؛ نقباء البشر، ۱۹۵/۳؛ الذریعة، ۳۲۵/۱۳ حسن انوشه

جعارة بن سعد انصاری، در شمار راویان اصحاب امیرالمؤمنین (ع) یاد شده است. بعضی او را «ججارة» ضبط کرده اند.

منابع: رجال، طوسی، ۳۷؛ اعیان الشیعة، ۷۷/۴؛ جامع الرواة، ۱۴۸/۱؛ معجم رجال الحدیث، ۴۲/۴؛ تنقیح المقال، ۲۱۱/۱. سید مهدی حائری

— Cwale

جُعاله، ثلاثی مجرد از مصدر جَعَلَ به معنای قرار دادن، گردانیدن، ساختن. جعاله با سه حرکت جیم جعاله = رشوه دادن؛ جُعاله = مزد دادن در مقابل عملی به خصوص اجرت دادن به کسی که به جای دیگری به جنگ می رود؛ جِعاله = دستمال دیگ گیری (لسان العرب؛ المنجد).

جُعاله در فقه، در اصطلاح فقه جُعاله اجرای صیغه ای است به منظور تحصیل منفعتی در مقابل عوض یا مزد و اجرت (شرح لمعه، ۴۳۹/۴). نزد فقها ملتزم را جاعل، عمل کننده و طرف عمل را عامل و اجرت را جعل یا حق الجُعاله گویند.

جُعاله عقد است یا ایقاع، در این مورد اختلاف وجود دارد. علامه در تبصره جُعاله را عقد می داند و می گوید «ولا بُدَّ فیها من الإیجاب والقبول» و در آن از ایجاب و قبول گزیری نیست (تبصره، ۹۶). و صیغه آن را چنین ذکر کرده است: مَنْ رَدَّ عَبْدِي أَوْ فَعَلَ كَذَا فَلَهُ كَذَا یعنی اگر کسی بنده مرا برگرداند یا فلان کار را انجام دهد برای او چنین مزدی خواهد بود. و منظور او از فعل کذا عنوان مثالی است برای انجام کار مباحی که طلب می کند. فله کذا هم هر نوع اجرت و مزدی است که خواهد پرداخت. در مقابل این ایجاب قبولی هم لازم است که با لفظ یا عمل گفته یا انجام می شود یعنی همین که عامل در صدد انجام آن کار برآید قبول تحقق می یابد (تبصره، ۹۷). ولی مرحوم شهید ظاهراً جُعاله را از ایقاعات می داند چه آنکه آن را محتاج قبول نمی داند و همچنین اضافه

98351

Cöale

كتاب الجعالة
و فيه أربعة فصول:

الفصل الاول: الجعالة في القرآن الكريم
الفصل الثاني: الجعالة في الاحاديث و الاخبار
الفصل الثالث: الجعالة عند فقهاء الامامية
الفصل الرابع: الجعالة عند فقهاء اهل السنة و الزيدية

Sayfa 295-352

بِصَوْنِ الْاِقْتِصَادِ الْاِسْلَامِيِّ

كِتَابُ اِسْتِزْهَابِهَا

إعداد

قِسْمُ الْاِقْتِصَادِ فِي جَمْعِ الْبُحُوثِ الْاِسْلَامِيَّةِ

الجزء الثامن

(الإبارة والجعالة والسبق والصالح والإقرار)

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	98351
Tas. No:	297.542 NUS.İ

إسراف

الاستاذ محمد واعظ زاده الخراساني
1420 Meshed

MADE YATIRILMAMIS
SONRA GELEN DUKUMAN

MADE YATIRILMAMIS
SONRA GELEN DUKUMAN

الجعالة

- ١٧٠٠- الجميلي، د. خالد رشيد. الجعالة واحكامها في الشريعة الاسلامية والقانون، نظرية الوعد بالمكافأة. بغداد: دار الحرية للطباعة، ١٩٧٩م، ٢٢٦ص.
- ١٧٠١- الدبو، ابراهيم فاضل. «حكم الجعالة في الشريعة الاسلامية». مجلة كلية الامام الاعظم: ع٣ (١٩٧٦م)، ص٣-٤٨.
- ١٧٠٢- الدبو، ابراهيم فاضل. حكم الجعالة في الشريعة الاسلامية. بغداد: مطبعة العاني، ١٩٧٦م.
- ١٧٠٣- الشيرازي، السيد محمد. كتاب الجعالة، الايمان، النذر. قم: مكتبة الامام المهدي، ١٩٨٧م، ٤٩٢ص، (وزير).
اصغرت ١٢٩٤هـ. رسالة الجعالة. مخطوطة في مكتبة حفيد المؤلف السيد محمد حسين بن محمد بن المؤلف. أنظر: الذريعة ١٠٥/٥.

الحاجة

- ١٧٠٥- البدرى، الشيخ عبد العزيز. الاسلام ضامن للحاجات الاساسية لكل فرد ويعمل لرفاهيته. بيروت: دار النهضة الاسلامية، ١٩٨٨م.
- ١٧٠٦- عابد، عبد الله عبد العزيز. مفهوم الحاجات في الاسلام واثره على النمو الاقتصادي. بحث مقدم الى المؤتمر الثاني للاقتصاد الاسلامي المنعقد في اسلام آباد، ١٩٨٣م، ونشر في كتاب دراسات في الاقتصاد الاسلامي، الصادر عن المركز العالمي لبحاث الاقتصاد الاسلامي، ١٤٠٥هـ-١٩٨٥م، ص١٣-٤٨.
- ١٧٠٨- عقبي، سمير محمد محمود. الحاجة واثرها في التشريع الاسلامي. القاهرة: كلية الشريعة والقانون - جامعة الازهر، ١٩٨١م (رسالة دكتوراه).
- ١٧٠٩- نقوي، سيد نواب حيدر. المفهوم الاسلامي للحاجات الاساسية بالنسبة للحالة الحاضرة. بحث مقدم الى ندوة الظروف الاجتماعية والاقتصادية المعاصرة في العالم والتغير الاجتماعي (عمان): ٢٣-٢٧ رجب ١٤٠٤هـ-٢٥ نيسان ١٩٨٤م، ص٥٥٩.
- ١٧٠٧- العبادي، عبد السلام. المفهوم الاسلامي للحاجات الاسلامية بالنسبة للحاجة الحاضرة. بحث مقدم الى ندوة الظروف الاجتماعية والاقتصادية المعاصرة في العالم والتغير الاجتماعي (عمان): ٢٣-٢٧ رجب ١٤٠٤هـ-٢٥ نيسان ١٩٨٤م.

= 165

جَعَالَة: عاقبة

١ - تعريف: الجعالة هي الالتزام بعوضٍ معلومٍ على عملٍ معين - معلوماً كان العمل أو مجهولاً - بقطع النظر عن فاعله.

٢ - أركانها:

أ - الصيغة: تصح الجعالة بكل ما يدل عليها، ولا يشترط تلفظ العامل فيها بالقبول.

ب - المتعاقدان: يشترط في المتعاقدين في الجعالة: العقل والبلوغ والاختيار، ويجوز أن يكون العامل في الجعالة مجهولاً، كقوله: من ردَّ عليّ ضالتي فله كذا، ويجوز أن يكون معلوماً، كقوله لرجل: إن رددت عليّ ضالتي فلك كذا، وفي هذه الحالة الثانية لو ردها غيرُ من سماه لا يستحق شيئاً.

ج - المعقود عليه: يشترط في العمل المعقود عليه في الجعالة أن يكون مباحاً، كما يشترط فيه أن يكون غير موقت بوقت، فلو قال: من رد عليّ ضالتي إلى شهر فله كذا، لم يصح.

ويجوز أن يكون العمل المعقود عليه معلوماً، كقوله: من ردَّ عليّ ضالتي من مكان كذا فله كذا؛ ويجوز أن يكون مجهولاً، كقوله: من ردَّ عليّ ضالتي فله

د - العوض: يشترط في العوض في الجعالة أن يكون معلوماً، وأن يكون مقدور التسليم.

٣ - آثار الجعالة:

أ - لزوم عقدها: أرى أن عقد الجعالة عقد غير لازم، قبل الشروع في العمل، فإذا شرع العامل في العمل فقد صار لازماً لاحتمال الضرر في فسخه.

ب - يد العامل على الشيء: إذا قال: من ردَّ عليّ ضالتي فله كذا، فبحث عنها رجل فوجدها، فأخذها ليُردها إلى صاحبها، فهي في يده أمانة إلى أن يردها، إن تلفت بغير تفريط ولا تعمد فهو غير ضامن.

ج - الإنفاق على الضالة: إذا صارت الضالة في يد العامل فأنفق عليها، فإنه ينظر: (١) فإن كانت النفقة عليها من قبيل الضروريات التي لابقاء للضالة إلا بها، فإنه يرجع بما أنفقه عليها على صاحبها.

(٢) وإن كانت النفقة غير ضرورية، أو كانت نفقة نقل للعامل أو للضالة، فهي على العامل.